

درآمدی بر چالش‌های نظری ارائه‌ی الگوی اسلامی-ایرانی حکمرانی

محمد واثقی بادی، محمدحسین امیدوار، محمد جان‌نثاری

چکیده

الگوی حکمرانی به کلی‌ترین مساله دولت که همانا چگونگی ارائه خدمات عمومی و اجتماعی است، می‌پردازد. پاسخ به این کلان مساله راه هموار و آسانی ندارد؛ چرا که با پیگیری آن مسائل نظری و عملی گوناگونی ظهور می‌یابد. به نظر می‌رسد اولین گام جهت ارائه الگوی حکمرانی اسلامی ایرانی، شناسایی و فهم این مسائل و چالش‌هاست. این مقاله به دنبال شناسایی مسائل و چالش‌های نظری پیش روی الگوی اسلامی ایرانی حکمرانی است و برای رسیدن به آن با تکیه بر ادبیات نظری حکمرانی و مصاحبه‌های صورت گرفته و در پرتو دیدگاه اندیشمندان اسلامی سعی بر دسته‌بندی این چالش‌ها داشته است. در نهایت هفت کلان چالش نظری جهت ارائه الگوی اسلامی ایرانی حکمرانی شامل ۱- چالش مفهومی و زبانی ۲- چالش مواجهه با الگوهای غربی، ۳- چالش هماهنگی و کنترل، ۴- چالش جایگاه و نقش دولت، ۵- چالش رابطه اصیل و وکیل و پاسخگویی، ۶- چالش توزیع اقتدار، ۷- چالش نظریات مبنایی، استخراج و تشریح گردید.

کلید واژه: حکمرانی، حکمرانی اسلامی-ایرانی، چالش‌های نظری، دولت اسلامی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

The governance pattern addresses the most general problem of government, how to deliver public and social services. The answer to this macro issue is not an easy way, as there is a variety of theoretical and practical issues. It seems that the first step to present an Iranian Islamic governance pattern is to identify and understand these issues and challenges. This paper seeks to identify issues and theoretical challenges ahead of the Iranian Islamic pattern and to achieve that, relying on theoretical literature of governance and interviews, and in light of the viewpoint of Islamic thinkers, tries to categorize these challenges. Finally, seven macro challenge for presenting the Iranian Islamic pattern including 1 - conceptual and linguistic challenge 2. The challenge of confrontation with Western models, 3 - coordination and control challenge, 4 - challenge the status and role of the government, 5 - Principal-agent problem and accountability, 6 - distribution of authority challenge, 7 - challenge of basic theories.

Keywords: Governance, Islamic-Iranian Governance, Theoretical Challenges, Islamic State, Iranian Islamic pattern of Progress.

۱ مقدمه؛ مبانی نظری و بیان مساله

واژه حکمرانی ترجمه متداول کلمه governance است. این کلمه یک واژه انگلیسی است که از زبان فرانسه قدیم - که خود ریشه در زبان لاتین دارد - گرفته شده است. در زبان لاتین این واژه با لفظ «gubernare» که به معنای «to steer, rule»^۱ بوده است، مورد

راهنمایی و فرمانرانی^۱

استعمال قرار می گرفته است (دیکشنری آنلاین آکسفورد^۲). ریشه یونانی این واژه به سکنداری کشتی^۳ اشاره می کند (۲۰۱۰ Laurence, به طور کلی از نظر لغوی این واژه به فرایند قانونی کنترل و راهبری تصمیمات اشاره دارد (دیکشنری آنلاین لانگمن^۴). از نظر اصطلاحی حکمرانی در یک طیف معنایی از معنای اعم شروع و تا معنای اخص ادامه می یابد. معنای اعم حکمرانی بر جنبه‌های رسمی و غیررسمی اعمال حاکمیت دلالت دارد (سلیمی، ۱۳۹۷: ۵). در این معنا حکمرانی به تمام فرایندهای اداره امور اطلاق می شود که از سوی دولت، بازار و شبکه، و یا از طریق خانواده، قبیله، سازمان های رسمی یا غیررسمی، قوانین، هنجارها، قدرت یا زبان اعمال می شود (بور، ۱۳۹۷: ۶) لذا در اینجا «هرگونه اعمال اقتدار» را می توان حکمرانی به معنای اعم دانست (Michalski et al., ۲۰۰۰: ۴۷۲).

در معنای عام حکمرانی، حکمرانی همان دولت معنا می شود (بور، ۱۳۹۷: ۲۳)؛ بدین معنا که حکمرانی همان جهت بخشی و هدایتی است که دولت به وسیله نهادهای خود به جامعه منتقل می کند (Laurence, ۲۰۱۰). در همین راستا مک گریگور حکمرانی را «کاربرد قدرت و اختیار در مسیری که سرسپردگی سیاسی مربوطه را به تصمیمات مدیریت مرتبط می سازد»، تعریف کرده است (هیل و هیپوت، ۱۳۹۷: ۳۲ و ۳۳). به عبارت بهتر در معنای عام، حکمرانی همان کاری است که دولت می کند. می توان گفت رویکرد خط مشی گذاری عمومی برای حل مسائل عمومی در چنین معنایی از حکمرانی ظهور بیشتری دارد؛ چرا که مانند مدل اقماری دولت در مرکز حل مساله و سایر علوم، بازیگران و نهادهای مدنی حول آن به حل مساله می پردازند. همچنین استوکر بر این باور است که رویکرد بازآفرینی دولت هرچند رو به سوی استفاده از بخش خصوصی در ارائه خدمات عمومی دارد اما باز هم حکمرانی وابسته و منحصر در دولت است و دولت محوریت اداره امور را برعهده دارد (Stoker, ۱۹۹۸).

در معنای جدید یا خاص، حکمرانی به عنوان یک اصطلاح خاص برای معرفی تغییرات در ماهیت و نقش دولت به دنبال اصلاحات بخش عمومی در سال ۱۹۸۰-۱۹۹۰ مورد استفاده قرار می گیرد (Bevir, ۲۰۰۸: ۱۲) که در آن حکمرانی دولت جهت ارائه خدمات سیری از سلسله مراتب به بازار و از بازار به شبکه و در نهایت اشکال ترکیبی این سه را تجربه کرده است (Michalski et al., ۲۰۰۱: ۹). در این معنا سیاست با حرکت به سمت جامعه، دموکراتیک تر و غیر متمرکز تر شده است (Laurence, ۲۰۱۰) همچنین جوادی (۱۳۹۵: ۶۴) این حالت را «تکثر در اعمال قدرت حکومت نسبت به شهروندان» دانسته است.

در معنای جدید یا خاص، حکمرانی معمولاً به حالتی گفته می شود که دولت برای ارائه خدمات عمومی نیازمند سایر بازیگران اجتماعی است (بور دیکشنری ۳۹۸) در این معنا حکمرانی از معنا قدیمی خود یعنی حکومت^۵ فاصله می گیرد (بور، ۱۳۹۷: ۲۳). در شکل زیر می تواند تفاوت حکمرانی و حکومت را به طور دقیق تر ملاحظه کرد.

جدول ۱ - تمایز حکمرانی و حکومتی (Krahmann, ۲۰۰۳ به نقل از ولی، ۱۳۹۶: ۵۶)

ردیف	عنوان بُعد	حکومت	حکمرانی
------	------------	-------	---------

^۲ <https://www.lexico.com/en/definition/govern>: دیکشنری آنلاین آکسفورد

^۳ to steer or pilot a ship

^۴ <https://www.ldoceonline.com/dictionary/govern>: دیکشنری آنلاین لانگمن

^۵ <http://www.sndu.ac.ir/fa/content/>: نشست دوم مدرسه حکمرانی شهید بهشتی

^۶ government

۱	قلمروی جغرافیایی	زیر سطح ملی، سطح ملی	زیر سطح ملی، سطح ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی، چندملیتی
۲	گستره‌ی کارکردی	چندین مورد	یک مورد
۳	توزیع منابع	متمرکز	پراکنده
۴	منافع	مشترک	متفاوت
۵	هنجارها	حاکمیت بر قلمرو دستور و کنترل باز توزیع	محدودیت حاکمیت خودگردان بازار
۶	تصمیم‌گیری	سلسله‌مراتب اجماع و وفاق برابری رسمی	افقی مذاکره نا برابر
۷	اجرای سیاست	متمرکز آمرانه یک‌رنگ	قطعه‌قطعه‌شده خودمختار اختیاری

همان‌طور که گفته شد حکمرانی به دلیل گستردگی با صورت‌های مضاف مختلفی مطرح می‌شود که در این مقاله حکمرانی به معنای اخص نامیده می‌شود. حکمرانی سازمانی، حکمرانی شرکتی، حکمرانی جهانی و حتی حکمرانی در موضوعات خاص مانند حکمرانی آب، حکمرانی علم، حکمرانی فضای مجازی، حکمرانی انرژی و غیره نیز می‌تواند جزئی از حکمرانی در معنای اخص آن باشد. در ادامه چند نمونه از مهمترین معانی اخص حکمرانی مرور می‌گردد:

۱. حکمرانی سازمانی

حکمرانی سازمانی به نظریه‌های ایده‌آل سازمان برای هماهنگی مربوط می‌شود. این نظریه معمولاً به صورت سه گانه‌ی سلسله‌مراتب، بازار و شبکه مورد تأکید قرار می‌گیرند. مبنای هماهنگی در سلسله‌مراتب، قدرت و کنترل قانونی، در بازار قیمت و توافق بر سر آن و در نهایت در شبکه اعتماد فی‌مابین است (بور، ۱۳۹۷: ۲۹)

۲. حکمرانی شرکتی

حاکمیت شرکتی شامل مجموعه‌ای از روابط بین مدیریت یک شرکت و هیأت‌مدیره، سهامداران و دیگر ذینفعان آن است. همچنین حکمرانی شرکتی به دنبال ایجاد ساختاری است که در آن اهداف شرکت تنظیم و ابزار رسیدن به آنها مشخص و عملکرد مدیریت

نظارت و پایش شود (Steger, ۲۰۱۵). دو نظریه کارگزار-کارفرما و نظریه ذینفعان این مدل از حکمرانی را پشتیبانی می کنند. مساله اصلی در اینجا این است که چگونه منافع هیات مدیره را با منافع سهامداران مطابقت دهد (بور، ۱۳۹۷: ۶۱-۶۴)

۳. حکمرانی عمومی

حکمرانی عمومی به مباحثی می پردازد که ناظر شیوه حل مسئله و ارائه خدمات عمومی یک دولت و حکومت است. تئوری های این بخش به طور قابل توجهی متأثر از تئوری های حکمرانی سازمانی است. از برن معتقد است که مدیریت دولتی با گذشت از اداره امور عمومی^۷ و مدیریت دولتی نوین^۸ به حکمرانی جدید ختم شده است که شامل مباحثی چون: حکمرانی اجتماعی-سیاسی^۹، حکمرانی خط مشی عمومی^{۱۰}، حکمرانی اداری^{۱۱}، حکمرانی قرارداد^{۱۲} و حکمرانی شبکه^{۱۳} می شود. (Osborne, ۲۰۱۰: ۶ & ۷).

۴. حکمرانی جهانی

در بین ترکیبات مختلفی که برای حکمرانی نام برده شد، حکمرانی جهانی بیشترین ابهام را دارد (Finkelstein, ۱۹۹۵: ۳۶۸). با این حال آنچه که مسلم است این است که حکمرانی جهانی با رواج ادبیات جهانی شدن ظهور پیدا کرد که در ابتدا با چشم انداز «حکمرانی بدون دولت» مورد تاکید قرار می گرفت و در ادامه با افول این نظریه که بدون دولت نمی توان حکمرانی کرد، به عنوان ایجاد ظرفیتی جهانی برای حل مسائل جهانی مشترک مورد نظر قرار گرفته است (Wilkinson & Weiss, ۲۰۱۴) از موارد برجسته این نوع حکمرانی شیوع سازمان های بین المللی است.

۵. حکمرانی خوب

حکمرانی به عنوان حکمرانی خوب؛ حکمرانی خوب به طور عمده بعد از جنگ جهانی دوم توسط سازمان های بین المللی به وجود آمد و سعی دارد طبق شاخص هایی ساختار خط مشی گذاری کشورها را برای مطابق ساختاری با جهانی شدن فراهم سازد (Laurence, ۲۰۱۰). بور معتقد است که حکمرانی خوب در منطق توسعه با رویکرد لیبرال دموکراسی ایجاد شده است (بور، ۱۳۹۷: ۱۲۹-۱۳۱) با جستجویی ساده در پایگاه های علمی می توان فهمید که این نسخه از حکمرانی، بیشترین طرفدار و مخالف و به طور کلی اثرگذاری را بر ادبیات علمی و عرصه عملی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی داشته است.

در جمع بندی مباحث ناظر به حکمرانی می توان چهار معنای ذکر شده را در جدولی مانند جدول زیر به نمایش درآورد.

جدول ۲ - تعاریف مختلف حکمرانی

^۷ public administration

^۸ new public management

^۹ Socio-political governance

^{۱۰} public policy governance

^{۱۱} administrative governance

^{۱۲} contract governance

^{۱۳} network governance

سطوح معنایی حکمرانی	تعریف آن
به معنای اعم	هر گونه اعمال اقتدار به شکل رسمی و غیررسمی
به معنای عام	به معنای دولت و همان جهت بخشی و هدایتی است که دولت به وسیله نهادهای خود به جامعه منتقل می کند.
به معنای خاص	اصطلاحی خاص برای معرفی تغییرات در ماهیت و نقش دولت به دنبال اصلاحات بخش عمومی در سال های ۱۹۸۰-۱۹۹۰ که در آن دولت برای ارائه خدمات عمومی نیازمند سایر بازیگران اجتماعی شده است.
به معنای اخص	به صورت های مضاف حکمرانی نظیر حکمرانی سازمانی، حکمرانی شرکتی، حکمرانی عمومی، حکمرانی جهانی و حکمرانی خوب گفته می شود.

حکمرانی نظریه و منطق عمل دولت است. بنابراین می توان حکمرانی را پلی میان نظریه اجتماعی و فلسفه سیاسی حکومت و اداری امور عمومی دولت عنوان کرد. به همین دلیل حکمرانی دارای ادبیاتی به گستره ی همه علوم اجتماعی و با هر دو صبغه ی نظری و عملی است و مسائلی در این بین نمایان می شود که به عنوان چالش و دشواری^{۱۴} های عرصه حکمرانی خود را نشان می دهد (Bevir, 2011:1-17) این مقاله در پی آن است که این چالش ها را در عرصه نظری شناسایی کند.

قبل از آنکه در باره چیستی چالش ها نظری و ماهیت آنها بحث شود، خوب است درباره اهمیت و ضرورت موضوع این مقاله تامل گردد. نویسندگان معتقدند که اگر ضرورت ارائه الگوی اسلامی ایرانی در عرصه های مختلف از جمله حکمرانی کشور فهم و روشن شود، اهمیت پرداختن به چالش های نظری این عرصه بهتر درک می گردد. به عبارت دیگر چه ضرورتی دارد وقتی نسخه های غربی توسعه، اقتصاد، فرهنگ، آموزش و حتی حکمرانی وجود دارد، به فکر ایجاد و ارائه نسخه جایگزین بومی اسلامی باشیم؟ اینجاست که دلایل مهم، کلان و به تعبیری پارادایمیک درباره این سوال مطرح می شود که در دل آن ضرورت انجام پژوهش حاضر و امثال آن نهفته است.

۱. اصل وجود و ضرورت حکومت و حکمرانی غیر قابل انکار است و همچنین اثرگذاری حکومت و حکمرانی بر زندگی مردم (نصرت پناه و بخشی، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸). از این رو حکمرانی اسلامی با سرنوشت آحاد ملت گره خورده است که نمی توان از آن چشم پوشید.

۲. سیره و گفتار ائمه اطهار (علیهم السلام) بر این مبنا بوده است که با تغییر نظام حکمرانی پیشین، حکمرانی اسلامی را پیاده سازی می کرده اند (نصرت پناه، بخشی ۱۳۹۷: ۱۸۰). این مهم امروزه با سرعت بالای تغییرات اجتماعی و اقتصادی در

¹⁴ dilemma

عرصه بین المللی اهمیت مضاعفی یافته است (پیغامی و حسینی، ۱۳۹۴: ۱۱) همین یکی از مهم ترین دلایلی است که امروزه ما نیز باید به دنبال ارائه الگوی اسلامی ایرانی حکمرانی باشیم.

۳. عدم کارآمدی نسخه های غربی در موضوعاتی مانند: اشتغال، تورم، وابستگی به درآمدهای نفتی، سیستم مالیاتی، توزیع نامناسب درآمد، و... نیازمند بازبینی در نحوه حکمرانی است. (پیغامی و حسینی، ۱۳۹۴: ۱۱). به خصوص با توجه به جهانبینی های متفاوت اسلامی و غربی قطعاً نظریه حکمرانی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز متفاوت خواهد شد.

۴. چهارم و مهم تر از همه ایجاد وابستگی و استعمار جدید است. عدم تدوین الگو حکمرانی اسلامی ایرانی منجر به تبعیت از الگوهای حکمرانی می شود که با بافت فرهنگی اجتماعی و مبانی ارزشی ما هم سنخ نیست و عاقبتی جز وابستگی و استعمارهای فرانو برای ما نخواهد داشت. تجربه حکمرانی غربی در نظام های اجتماعی چیزی جز بهره کشی از منابع ملی کشورهای منطقه خاورمیانه نبوده است؛ همچنین حکمرانی آمریکائی و اسرائیلی منجر به جنگ های منطقه و وابستگی به حکمرانان غربی نبوده است. (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۴: ۲۷-۲۵). البته این به معنی طرد کامل حکمرانی غربی نیست بلکه مواردی چون روح خطرپذیری، روح ابتکار، انضباط، وقت شناسی، اهمیت به سرمایه های انسانی و غیره از نقاط قوت و اشتراک آن با حکمرانی اسلامی است (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۴: ۳۵-۳۳).

در این مسیر قطعاً هم چالش های نظری و هم چالش های عملی و اجرایی وجود خواهند داشت که پرداختن به هر دو چالش مهم و حیاتی است. همچنین می دانیم ارائه الگوی حکمرانی اسلامی ایرانی، مانند نظریه پردازی در هر عرصه ای، نیازمند دیالکتیک مستمر میان نظریه و عمل است (Garrison, ۲۰۰۰). با این حال غفلت از ابعاد نظری حکمرانی می تواند تبعات سنگینی چون تکنوکرات شدن، فراموشی ارزش های اسلامی و انقلابی در نظام اداری، ایجاد بن بست های پیچیده تر فرایندی و... به دنبال داشته باشد. لذا به نظر می رسد همزمان با تلاش برای اصلاح عملی نظام حکمرانی کشور در نگاهی بلند مدت تر باید تلاش هایی برای تئوری پردازی در ارائه الگوی حکمرانی اسلامی ایرانی نیز صورت گیرد. در این راستا به نظر می رسد اولین گام فهم چالش ها و مسائل نظری با توجه به ادبیات حکمرانی و همچنین وضعیت حکمرانی کشور است. این چالش ها نظری کدام اند؟ تبیین این مسائل و چالش ها به چه صورت است؟

اساساً چالش به حالتی گفته می شود که رهایی و بیرون آمدن از آن حالت نیازمند تلاش بسیار زیاد فیزیکی و ذهنی است (دیکشنری آنلاین کمبریج). وقتی از چالش نظری صحبت می شود، تأکید بر تلاش بی وقفه و گسترده ذهنی و فکری برای ارائه راه حل نسبت به آن مساله است. معمولاً چالش ها به دو نوع نظری^{۱۵} و تجربی^{۱۶} تقسیم می شوند. به چالش های تجربی در ادبیات علمی چالش های عملیاتی نیز گفته می شود.

در این پژوهش منظور از چالش های نظری، چالش هایی است که نیازمند تئوری پردازی، ایده پردازی برای ارائه الگویی علمی، مبتنی بر معارف اسلامی و منسجم است. قطعاً مدعای پژوهش حاضر احصاء همه چالش های نظری این حوزه نیست و اینکه درباره این چالش ها تاکنون هیچ تلاشی علمی و تئوریک صورت نگرفته است؛ بلکه هدف شناسایی و بیان این چالش ها اولاً جمع آوری آنها در یکجا و ثانیاً فراهم آوردن زمینه آشنایی با مسائل حکمرانی برای دانشجویان و پژوهشگران علاقه مند، و ثالثاً تأکید بر اهمیت تولید محتوا برای این چالش هاست.

¹⁵ theoretical

¹⁶ empirical

۲ روش پژوهش

روش پژوهش مجموعه گام ها و اقدامات منطقی است که به دنبال یافتن پاسخ یک مسئله یا آزمون یک فرضیه ایجاد می شود (سرمد و همکاران، ۱۳۸۹؛ ۲۳ و ۲۲) به طور کلی روش پژوهش (یا با نگاهی کلان تر روش تولید علم) در علوم اجتماعی غالباً با سه رویکرد متمایز شامل اثباتی، تفسیری و انتقادی، دنبال می گردد (نیومن، ۱۳۹۴: ۱۵۶). در پژوهش حاضر که بیشتر از روش شناسی تحلیل مضمون چه در ارتباط با متون مکتوب و چه در ارتباط با مصاحبه ها انجام شده، مورد استفاده قرار گرفت، می توان آن را پژوهشی در پارادایم تفسیری قلمداد کرد. با توجه به پیاز پژوهش ساندرز مهم ترین عناصر پژوهش پیش رو به قرار زیر است:

جدول ۳ - توضیح وضعیت پژوهش بر اساس پیاز پژوهش (دانایی فرد، ۱۳۹۰: ۳-۲)

لایه های پیاز پژوهش	توضیح وضعیت پژوهش حاضر
۱	مبانی فلسفی پژوهش
۲	نوع پژوهش
۴	رویکرد پژوهش
۵	استراتژی پژوهش
۶	هدف پژوهش
۷	شیوه گردآوری اطلاعات
	کتابخانه ای - میدانی

در این مقاله جهت شناسایی چالش های نظری ارائه الگوی اسلامی ایرانی حکمرانی، چهار گام اساسی برداشته شد:

۱. ادبیات حکمرانی تا حد ممکن مورد مطالعه قرار گرفت و مورد تحلیل قرار گرفت. ادعای این نویسندگان استفاده از روش مرور سیستماتیک^{۱۷} نیست ولی با توجه به محدودیت زمان سعی شد منابع اصلی در دسترس مورد مطالعه قرار بگیرند.

¹⁷ systematic review

۲. تعداد متناهی از چالش‌های نظری در گام اول احصاء شد و در این گام با برگزاری چندپنل توسط تیم پژوهشی، چالش‌های نظری شناخته شده با روش تحلیل مضمون دسته بندی (مقوله یابی) شدند.
۳. در گام سوم با انجام مصاحبه، برگزاری جلسات تحقیقاتی تیم پژوهش و مشورت از صاحب نظران این حوزه نحوه ارتباط این چالش‌ها با حکمرانی اسلامی و جایگاه هر کدام مشخص گردید.
۴. سپس در طول نگارش چالش‌های نظری با ایجاد جلسات مباحثه توسط تیم پژوهشی، دسته بندی ایجاد شده در مرحله ۲ اصلاح و در نهایت نسخه نهایی ارائه شد. در قسمت «یافته‌های پژوهش» نتایج این چهار مرحله قابل مطالعه است.

۳ یافته‌های پژوهش

۳،۱ چالش مفهومی و زبانی

الگوی حکمرانی به عنوان مطالعات میان رشته (ولی، ۱۳۹۶: ۹۴-۹۲) نیازمند زبان مشترک و فهم متقابل است. درک مشترک ناشی از زبان مشترک، نقشی حیاتی در فعالیت‌های اثربخش میان رشته ای دارد. فعالیت‌های میان رشته ای گاهی به سفره‌های فرهنگی تشبیه می‌شوند که مستلزم آن است محقق خود را مسافری تلقی کند و از رشته‌های مختلف دیدن نماید (فاتح راد و همکاران، ۱۳۹۰) در حال حاضر تعریف، مفهوم و زبان مشترکی از حکمرانی در جامعه علمی مورد اجماع نیست؛ این تشتت مفهومی و زبانی، شکل‌گیری ارتباط میان جامعه علمی را با مشکل روبه رو ساخته است (Lauring & Selmer, ۲۰۱۱).

چالش مفهومی بدان معناست که تعریف جامع، مانع و مبینی برای الگوی اسلامی ایرانی حکمرانی مورد اجماع نیست. در این چالش شاید اولین سوالی که مطرح می‌شود این است که در مواجهه با این الگو، منظور از حکمرانی (مصاحبه با دکتر تسلیمی)، الگو (امامی، ۱۳۹۸) و وصف اسلامی ایرانی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۷۳ و ۷۴) چیست؟ باوجود تحقیقات انجام شده (مختاریان، ۱۳۹۰)، (علی اکبری، ۱۳۹۱) و (ابطحی، ۱۳۹۱) تعریف مشترکی در جامعه علمی وجود ندارد. به طوری است که یک مجموعه علمی از منظر خود تعریفی مشخص کرده و مجموعه دیگر، تعریف دیگری بدین ترتیب جامعه علمی نمی‌تواند با این تعریف ارتباط برقرار کند (پیغامی، ۱۳۹۴: ۴۵).

همچنین چالش زبانی بدان معناست که مکاتب مختلفی در موضوع حکمرانی تئوری پردازی کرده‌اند و میان جامعه علمی زبان مشترکی وجود ندارد؛ برای مثال اقتصاددانانی که حکمرانی را مورد بررسی قرار داده از ادبیات علمی اقتصاد (پیغامی و حسینی، ۱۳۹۴: ۷۰ و ۷۱)، و فقیهان نیز با زبان فقه به طراحی الگوی حکمرانی پرداخته‌اند^{۱۸}. به عبارت بهتر، چالش زبانی الگوی حکمرانی یعنی علاوه بر مشکل تکثر گفتمانی الگوهای غربی می‌بایست، زبانی ایجاد گردد که بتواند جامعه علمی علوم اجتماعی و علوم اسلامی را به هم پیوند دهد. (پیغامی و حسینی، ۱۳۹۴: ۴۳)

الگوی اسلامی ایرانی حکمرانی به عنوان مقوله ای میان رشته ای، نیازمند گفتمان و زبان تحلیل مشترکی است که بتواند علاوه بر ارتباط با ادبیات حکمرانی موجود، از معارف و علوم اسلامی نظیر قرآن کریم، فقه اسلامی و فلسفه اسلامی بهره‌برد. به عبارت بهتر،

^{۱۸}: برای توضیحات بیشتر رجوع کنید به

«میرباقری، سید محمد مهدی، (۱۳۹۶)، «درآمدی بر رویکردهای فقه حکومتی»

در تمامی مطالعات میان رشته ای حکمرانی سعی بر آن است بجای تمرکز بر چارچوب های مفهومی محدود یک شاخه از علوم اجتماعی، از چارچوب های مفهومی تمامی شاخه های علوم اجتماعی و علوم اسلامی استفاده کند. اما استفاده از این چارچوب های مفهومی متعدد نیازمند ابزار یا منطقی جهت پیوند و اتصال آنها با یکدیگر و ایجاد یک منظومه فکری مشخص است که می توان از آن به زبان الگوی حکمرانی نام برد. (پیغامی و حسینی، ۱۳۹۴: ۴۳)

به طور خلاصه این چالش در نکات زیر خلاصه می گردد:

۱. تعریف مورد اجماع برای الگوی اسلامی ایرانی حکمرانی چیست؟
۲. با توجه به ماهیت میان رشته ای حکمرانی، زبانی که می تواند شاخه های مختلف علوم اجتماعی و علوم اسلامی را به هم پیوند بزند چیست؟
۳. زبان مشترک الگوی اسلامی ایرانی حکمرانی چگونه شکل می گیرد؟
۴. آیا می توان مانند غرب زبان مشترک حکمرانی و مدیریت جامعه را ادبیات خط مشی گذاری عمومی (امامی، ۱۳۹۸) انتخاب کرد؟
۵. آیا می توان پارادایم جدید دانش اقتصاد را به عنوان زبان مشترک حکمرانی (پیغامی و حسینی، ۱۳۹۴: ۷۰ و ۷۱) انتخاب کرد؟
۶. آیا می توان از زبان فقه حکومتی برای زبان مشترک حکمرانی بهره برد؟

۳،۲ چالش مواجهه با الگوهای غربی

تمدن غرب با توجه به سطح توسعه و پیشرفت های مادی خود، به عنوان مرجع بسیاری از علوم قرار گرفته است. به این معنا که کشورها در جهت رفع مشکلات، مسائل و چالش ها یا برای دریافت نقشه راه توسعه و رشد خود به این تفکر رجوع می کنند و جواب خود را خواهان می شوند. این تفکر هرچند از نظر مبانی و روش شناسی و... مادی باشد تلاش های بسیاری در جهت علم انجام داده است. از طرف دیگر به دلیل همه گیر شدن فرهنگ غربی بسیاری از مسائل امروز ما نیز از جنس مسائل آن ها می باشد. حال سوالی که مطرح می شود این است که در مواجهه با این جریان چه باید کرد؟ نسبت حکمرانی اسلامی ایرانی با حکمرانی های غربی نظیر الگوی حکمرانی خوب چیست؟ (مصاحبه با آزادی) آیا برای ارائه الگو اسلامی ایرانی حکمرانی نیازمند الگو های غربی حکمرانی هستیم؟ آیا با وجود مبانی و پایه های سکولار و اومانیستی و لیبرالیستی می توان از نظریه های غربی بهره برد؟ (مصاحبه با آزادی) میزان و شیوه ی استفاده ی ما از این نظریات باید چگونه باشد؟ آیا میان مفاهیم غربی همچون حکمرانی با مفاهیم اسلامی همچون ولایت، امامت، ملک، حکمت، سلطنت و... (مقیمی، ۱۳۹۴: ۴۷) می توان رابطه ای برقرار کرد؟ با توجه به این که حکمرانی و حکومت مفهومی ارزش مدار است نسبت میان فلسفه اخلاق اسلامی و غربی چیست؟ برای ارائه الگوی اسلامی ایرانی حکمرانی، باید از رویکرد تاسیسی استفاده کرد یا هر یک از رویکردهای تهذیبی، استنباطی، دایره المعارفی و غیره قابل استفاده است (مقیمی، ۱۳۹۴: ۹۸ و ۹۹) مقالات و آثار علمی متعددی به طور کلی به موضوع علم اسلامی و شیوه مواجهه با علوم غربی پرداخته است لکن به طور خاص و ناظر به بحث حکمرانی نیز می توان به مواردی اشاره داشت:

۱. در مقاله «ارائه الگوی حکمرانی خدا مدار» (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴): این مقاله با بررسی الگو حکمرانی خوب، معیارهای الگوی حکمرانی خوب را برای ارائه الگوی حکمرانی خدامدار می پذیرد.

۲. در گزارش پروژه ی ارزشمند «طراحی و تبیین مولفه ها و شاخص های اساسی حکمرانی اسلامی» (حسن رضائی و همکاران)^{۱۹} با بررسی عمیق حکمرانی خوب و همچنین بررسی در معارف اسلامی تلاش قابل تقدیری در طراحی و تبیین مولفه ها و شاخص های حکمرانی اسلامی ارائه داده است.

۳. مقاله «حکمرانی خوب و حکمرانی از دیدگاه اسلام» (حق گوین و همکاران، ۱۳۹۵) این مقاله با نگاه سطحی به احادیث در پی تایید حکمرانی خوب از دیدگاه اسلام می پردازد.

۴. مقاله «مقایسه تحلیلی حکمرانی خوب از دیدگاه نهادهای بین المللی با حکمرانی اسلامی از دیدگاه امام علی(ع)» (دهقانی و همکاران، ۲۰۱۵): این مقاله به تفاوت حکمرانی خوب و حکمرانی اسلامی می پردازد و با توجه به فرهنگ مادی نمی تواند الگویی برای حکمرانی کشورهای اسلامی باشد.

هرچند تعداد آثار علمی حول حکمرانی اسلامی و شیوه ی مواجهه ی آن با الگوهای غربی بیشتر از این موارد است ولی از آن جایی که به طور جدی مسائل و چالش های نظری طرح و دنبال نشده اند، اکثر آنها نتوانسته از عهده این چالش برآیند. با این حال ذکر موارد جزئی تری از این چالش خالی از لطف نیست.

با توجه به مباحثی که در بالا گذشت می توان اصلی ترین چالش های نظری این قسمت را به صورت زیر بیان کرد:

۱. آسیب شناسی نحوه مواجهه دانشگاهیان و پژوهشگران با حکمرانی خوب به عنوان یکی از نسخه های پرکاربرد در ایران.

۲. تبیین و ایجاد ارتباط میان مفاهیم مرتبط با حکمرانی در معارف اسلامی با رویکرد نظام مند و سیستمی نه رویکرد موردی و پراکنده.

۳. مقایسه تطبیقی میان رویکرد اسلامی با نسخه های مختلف و بیان شباهت ها و اختلافات و دلالت های عملیاتی آن.

۳،۳ چالش هماهنگی و کنترل

با نگاهی دقیق تر می توان چالش حکمرانی را چالش هماهنگی و کنترل دانست. بور در تعریفی که از حکمرانی ارائه داده است آن را شیوه هماهنگی اجتماعی^{۲۰} می داند که موجب تسهیل اقدام اجتماعی^{۲۱} می شود (بور، هندبوک: ۱) (Meuleman, ۲۰۰۸). اساسا مساله حکمرانی زمانی مطرح شد که بوروکراسی و ساختار سلسله مراتبی آن نتوانست با تغییرات اجتماعی همراه شود (Galaz,

^{۱۹} رجوع شود به:

<https://iranthinktanks.com/product/from-islamic-governance-to-government-criterion/>

^{۲۰} social coordination

^{۲۱} collective action

۲۰۰۸ Duit, & و به تعبیری نیازمند فرا هماهنگی^{۲۲} و فرا کنترل^{۲۳} شدیم (بور ص ۶). شاید سوال از شیوه هماهنگی اجتماعی و سازماندهی اجتماعی^{۲۴} مهم ترین سوال حکمرانی باشد (Bevir, ۲۰۱۲:۳)

با توجه به ادبیات موجود در حکمرانی، مدیریت دولتی و همچنین ایده گرفتن از مصاحبه های انجام شده می توان به چالش های نظری زیر در قسمت اشاره کرد:

۱. خردمایه ایجاد و توسعه ساختار و هماهنگی چیست؟ ساختار برای کنترل بیرونی افراد وضع می شود یا اینکه علاوه بر آن بر تربیت درونی افراد نیز موثر است؟ یکی از اصلی ترین مباحث در این قسمت این است که ساختار افراد را کنترل کند تا به کارایی برسیم یا اینکه افراد را رشد دهد تا به سرمایه انسانی متعالی نائل آییم؟ (پورعزت، ص ۴۵)

۲. چگونه میان منافع فردی و عمومی را سازگاری کنیم؟ از جمله مهمترین نکات در ایجاد هماهنگی اجتماعی، فهم چگونگی سازگاری و تناسب بین منافع و ارزش های مختلف در جامعه به طور خاص بین منافع فردی و منافع عمومی است و به همین دلیل یکی از مهمترین سوالات در هماهنگی اجتماعی چگونگی سازگاری انگیزشی میان منافع فردی و عمومی است (سایمون، ۱۳۷۱: ۷۷ و ۷۸ و ۳۱۳ و ۳۱۴).

۳. رابطه و جایگاه کنترل درونی (تقوا) و کنترل بیرونی (قانون و نظم) در حکمرانی اسلامی چگونه است؟ اولویت با کنترل درونی است یا کنترل بیرونی؟ اجمالا می دانیم در دستورات دینی به هر دوی اینها امر شده است؛ مانند سفارش امام علی (علیه السلام) در نامه ۴۷ نهج البلاغه به تقوا و نظم اما رابطه ایندو در نظام حکمرانی کمتر مورد توجه بوده است. برای مثال استاد پناهیان کنترل درونی و تقوا را به کنترل بیرونی ترجیح می دهد^{۲۵}. در حالی که استاد مطهری (۱۳۷۷: ۲۸۶-۲۸۸) در کتاب ده گفتار نظری نسبتا متفاوت تری را ارائه می دهد. این چالش وقتی ناظر به نظام حکمرانی طرح گردد پیچیدگی مضاعف تری می یابد که ضرورت دارد پژوهشگران این حوزه به طور ویژه ای به این مسئله بپردازند.

۴. رابطه و نسبت نظارت و کنترل درون و بیرونی سازمانی. بور در کتاب خود اشاره می کند که سازمان ها برای رفع تعارض منافع حاصل از نظارت و ارزشیابی درونی، به نظارت بیرونی و استفاده از حسابرسان خارجی روی می آورند (بور، ۱۳۹۷: ۵۸-۵۹) به طور کلی بین حل تعارض منافع در هماهنگی سازمانی و ملی و کارایی تقابل وجود دارد و همین باعث چالش برانگیز شدن موضوع شده است.

۵. میزان رسمیت هماهنگی؛ حد مطلوب میزان رسمی و غیر شخصی بودن نظام اداری در استخدام، ارتقاء و خدمت رسانی به عموم تا کجاست؟ می توان گفت که میزان رسمیت و غیر شخصی بودن با تئوری بوروکراسی ماکس وبر به نظام اداری ورود پیدا کرد (رابینز، ۱۳۸۷: ۲۶۲-۲۶۵). این نظریه در ادامه با ظهور ایرادات اساسی اش از جمله رفتار سازمانی تشریفات

^{۲۲} meta-coordination

^{۲۳} meta-control

^{۲۴} social organization

گرایانه^{۲۶}، جابجایی هدف^{۲۷}، کاغذ بازی بوروکراتیک^{۲۸} و غیره (مقیمی، ۱۳۹۵: ۸۷ و ۸۸) این تردید را به وجود آورد که آیا این حد از رسمیت و غیر شخصی سازی امور لازم و مطلوب است؟ نویسندگان معتقدند که این مسأله ی مهم هیچگاه در نظام اداری ما به طور جدی مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است.

۶. با توجه به طرح و تاکید بر روابط ولایی در جامعه اسلامی و بین جامعه و دولت اسلامی (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۷: ۴۳۹-۴۲۷)، نسبت این روابط و هماهنگی ها با انواع سازماندهی در حکمرانی مانند شبکه، بازار و سلسله مراتب چیست؟ آیا جامعه ولایی نسبت به انواع مدل های حکمرانی که بیشتر از این سه مورد است، علی السویه است یا اینکه بعضی مدل ها به رویکرد اسلامی نزدیک تر و بعضی دورتر هستند؟

۷. یکی از مهم ترین مبانی ناظر به این چالش با توجه به اصالت فرد و جامعه (مطهری، ۱۳۷۷: ۳۴۰-۳۴۴) در حکمرانی اسلامی چالش تناسب بین فرد و جامعه / فرد و ساختار است. به عبارتی اینگونه می توان پرسید تئوری عام اصالت دادن به فرد و جامعه در حکمرانی اسلامی و تئوری خاص آن که ناظر به حکمرانی به معنای اخص خواهد بود، چیست؟

۳، ۴ چالش جایگاه و نقش دولت در سطوح حکمرانی

پرسش از علت چرایی نیاز به دولت در سطوح حکمرانی و حوزه مجاز مداخله دولت در حوزه های گوناگون از سؤالهایی است که پیشینه زیادی دارد و می توان سابقه آن را حداقل به قدمت تشکیل دولتها مربوط دانست. (جوانعلی آذر و دانایی فرد، ۱۳۹۳) شتاب تحولات جهانی و به تبع آن تحولات ملی، کلیه ساختار ها، نهاد ها و کارکرد های اداره امور عمومی جامعه را به صورتی گریز ناپذیر به مبارزه میطلبد. در شرایطی که نیاز ها و خواسته های عمومی تحت تاثیر روند های جهانی شدن به دلیل رشد فناوری های رسانه ای و اطلاعاتی و دیگر تغییرات عصر اطلاعات یا خرده فرهنگ های داخلی قرار می گیرد صحبت از جایگاه و نقش دولت و میزان پاسخگویی او بسیار با اهمیت است. (رهنورد-عباسپور، ۱۳۸۶: ۲۶)

نظریات جدید حکمرانی تحت تاثیر پدیده ی جهانی شدن شکل گرفته است (بور، ۱۳۹۷: ۱۰) (Kennett, ۲۰۰۸: ۶) همچنین چالش سطوح حکمرانی با پدیده جهانی شدن جدی تر شده است. (سیمبر و فصیحی، ۱۳۹۳) برخی اساس طرح حکمرانی را مصادف و مساوی ناکارآمدی دولت و لزوم کاهش نقش دولت همراه می دانند (Rhodes, ۱۹۹۷, ۲۰۰۶) سوال اصلی این است که دولت مجاز به حکمرانی در کدام سطوح است؟ و نقش آن در این سطوح چیست؟ (Peters, ۲۰۱۲) با این توضیحات حکمرانی اسلامی اساس یک پدیده ملی است یا پدیده ای جهانی؟ رابطه حکمرانی جهانی با حکمرانی ملی چگونه است؟ جزئیات این رابطه دو طرفه به چه نحوی باید باشد؟ آیا حکمرانی جهانی بدون تصور هیچ حکومت جهانی قابل تصور است؟ (Rosenau et.al, ۱۹۹۲: ۱۸)

۱. اساسا درباره حکمرانی سه نظریه وجود دارد. اول اینکه حکمرانی همان حکومت است، دوم اینکه حکمرانی فراتر از حکومت است و نظریه سوم تحت اصطلاح حکمرانی جدید مطرح می شود و باور دارد که حکمرانی، حکومت و فراتر از آن را با

²⁶ ritualistic organizational behavior

²⁷ displacement of goals

²⁸ tape bureaucratic red

یکدیگر جمع کرده است (Laurence, ۲۰۱۰) همین مساله نظری برای ارائه الگوی حکمرانی اسلامی نیز وجود دارد. بدین صورت که رابطه حکمرانی اسلامی با حکومت اسلامی به چه نحو است؟ (این همانی، فراتر، ترکیبی و...)

۲. پس از سوال سطوح حکمرانی، این سوال مطرح می گردد که در هر سطح یا در هر یک از سطوح، دولت چه نقشی دارد؟ دولت در چه مسائلی مداخله کند؟ و به چه میزان دخالت کند؟ (جوانعلی آذر و دانایی فرد، ۱۳۹۳)

۳. سوال بسیار مهم دیگری که مطرح می گردد این است که نقش مردم در هر یک سطوح حکمرانی چیست؟ و به عبارت بهتر، رابطه دولت با نهاد های بسیار متنوعی که تحت عنوان سازمان های مردم نهاد (سمن) در حال فعالیت هستند به چه نحو خواهد بود؟ به عبارتی آنچه به عنوان حکمرانی همکارانه^{۲۹} گفته می شود تا چه حد درست و شرایط پیاده سازی آن کدام است؟

۳،۵ چالش رابطه اصیل – وکیل و پاسخگویی

مساله اصیل – وکیل^{۳۰} به عنوان یکی از مهم ترین مسائل شرکت در اقتصاد و سیاست است. چالش این رابطه ناشی از تعارض منافعی است که بین اصیل و وکیل ایجاد می شود؛ چرا که احتمال دارد وکیل (هیأت مدیره و اجرایی) بجای منافع اصیل (سهامداران، ذینفعان) به دنبال اهداف و منافع شخصی خواهد بود (McConnell et.al, ۲۰۰۹: ۷۸).

رابطه اصیل و وکیل که منحصر در حکمرانی شرکتی نبوده و نشده بلکه در جای جای نظام حکمرانی چنین رابطه ای قابل تصور و در حال پیگیری است (Groot, ۱۹۸۸) (Groot, ۲۰۱۰) (Fratanni et al, ۱۹۹۷) تا جایی که برخی رابطه بین خانواده و حکومت را نیز براساس این رابطه تحلیل کرده اند (Cigno, et al, ۲۰۳۳)؛ لذا به طور کلی و برای نمونه می توان روابطی چون مدیر (کارفرما) و کارمند (کارگزار)، بیمار (کارفرما) و پزشک (کارگزار^{۳۱})، دانش آموز (کارفرما) و معلم (کارگزار)، بنگاه انحصار کامل (کارفرما) و مشتریان (کارگزاران) و بیمه گر (کارفرما) و بیمه گزار (کارگزار) را بر مبنای رابطه اصیل-وکیل مورد بررسی قرار داد.

در این میان رابطه بین شهروندان و حکومت از آنجایی که حکومت نماینده و وکیل مردم شناخته می شود، چنین رابطه ای خواهد بود (Bohman, ۲۰۱۰) حکمرانی مردم سالار^{۳۲} یکی از معروف ترین مدل ها برای شکل دهی چنین ارتباطی است (ابوالحسنی، ۱۳۹۱) رابطه بین مردم و حکومت اسلامی که بر اساس تئوری مردم سالاری دینی (مصباح یزدی، ۱۳۸۲) تنظیم می شود از چنین چالشی رنج ببرد.

ذیل همین چالش می توان سوالات و مسائل زیر را مطرح کرد:

²⁹ Collaborative Governance

³⁰ Principal-agent problem

^{۳۱} مثال ها از آدرس زیر گرفته شده است:

<https://fa.wikipedia.org/wiki/>

³² Democratic Governance

۱. چالش ناظر به وکیل؛ مشارکت سیاسی به خصوص مشارکت عمومی مردم در حکمرانی مردم سالارانه دینی چگونه است؟ آیا استفاده از مدل های رایج مانند مکانیزم های رایزانه^{۳۳} یا مکانیزم های دموکراسی مستقیم^{۳۴} می تواند مدل های مناسبی برای این هدف باشند؟ اساساً افزایش نقش شبکه ها باعث تسهیل مشارکت مردم شده است یا اینکه مشارکت و به تبع آن مردم سالاری کاهش یافته است؟ (Laverty, ۲۰۱۱: ۴۰۳). این مشارکت باید به چه نحوی باشد تا از پوپولیستی شدن امور اداری جلوگیری کند؟ آیا مشارکت در حکمرانی اسلامی به معنای کثرت حداکثری در بازیگران مورد پذیرش است؟ (مصاحبه آزادی).

۲. چالش ناظر به اصیل؛ حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام در کتاب وزین نهج البلاغه می فرمایند که مردم نیز بر حکومت حقوقی دارند (نهج البلاغه، للصبیحی صالح، نامه ۵۰: ۴۲۵) و از جمله آن حق انتقاد و پاسخ ده کردن مسئولان است. حال مجموعه سیاستمداران و مدیران دولت در چه فرایندی باید پاسخگو، انتقاد و نصیحت پذیر (نهج البلاغه، للصبیحی صالح: خطبه ۳۴: ۸۰ و نامه ۵۳: ۴۳۴) باشند؟ ابزار های نو مانند شفافیت چگونه و تا چه میزان قابل استفاده است؟

۳. مردم در نظریه حکمرانی اسلامی که مبتنی بر مردم سالاری دینی است، به مثابه چه استعاره ای هستند؟ مردم مشتری اند یا شهروند هستند یا اینکه آنها ارباب رجوع هستند؟ منابع اسلامی و سیره اهل بیت چه رهنمودهایی برای این مساله دارد؟

۳،۶ چالش توزیع اقتدار

حکمرانی وقتی به مثابه یک تئوری سیاسی در نظر گرفته شود، تمرکز اصلی اش تنظیم روابط قدرت در جامعه خواهد بود که به وسیله آن برای برخی بازیگر اجتماعی محدودیت و برای برخی موجب تسهیل تصمیم گیری خواهد شد (Peters, ۲۰۱۲). معتقد است که سه سوال اساسی حکمرانی شامل نمایندگی، پاسخگویی و نحوه اقتدار است (Afzal & Considine, ۲۰۱۱: ۲۷۹) ولی معتقد است که برای فهم بهتر حکمرانی باید به بررسی مفاهیم بنیادین «اقتدار»، «قدرت» و «قانون» پرداخت. لذا ایشان سوال اصلی ناظر به این چالش را اینگونه بیان می کند: در هر موضوعی (چه چیزی؟) باید تعیین کرد که «اعمال اقتدار» توسط چه کسی؟ و چگونه؟ برای رسیدن به چه ارزشی (چرایی؟) صورت می پذیرد (ولی، ۱۳۹۶: ۳۷).

ذیل این چالش مسائل نظری متعددی قابل بیان است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. تبعات کاهش اقتدار دولت ها در کنترل اجتماعی و سیاسی چیست؟ آیا دولت ها اقتدار خود را تفویض کرده اند یا این اراده بر خلاف اراده شان بوده است؟ آیا دولت ها می توانند اقتدار از دست رفته خود را بدست آورند یا این فرآیند غیر قابل جبران است؟ (ولی، ۱۳۹۶: ۳۹).

۲. یکی از چالش های بسیار مهم خلاء نظری در رابطه با نحوه اولویت بنده و حل تعارضات در خط مشی گذاری عمومی است (حیدری، ۱۳۹۵: ۷۸ و ۷۹) به طوری مشخص شود در تراحمات ایجاد شده توزیع اقتدار به چه صورتی باشد تا بهترین تصمیم حاصل شود.

³³ Deliberative mechanism

³⁴ direct democracy

۳. دیگر مساله در این حوزه ارائه الگوی مدیریت تعارض منافع در تصمیم گیری و اعمال اقتدار نظام حکمرانی برای جلوگیری از فساد سیاسی و اداری است (Johnston, ۱۹۹۱). آیا مدیریت شورایی می تواند از تعارض منافع فردی جلوگیری کند؟ همچنین چه نظریه ای برای پیشگیری تعارض منافع در ترکیب اعضای مدیریت شورایی وجود دارد؟

۴. یکی دیگر از مسائل تضاد ارزش ها در در خط مشی گذاری عمومی است. این مساله می تواند اینگونه مطرح شود که جمع عدالت و کارآمدی در خط مشی گذاری های سازمانی و عمومی بر اساس چه الگویی باید صورت گیرد؟ (Rein&Thacher, ۲۰۰۴) به عبارتی الگوی توزیع اقتدار مناسب جهت افزایش عدالت و کارایی در سازمان و جامعه چیست؟

۵. در دهه های اخیر تمایل فزاینده به نامتمرکز سازی حکومت داری در آمریکا دیده شده است که البته برخی توصیف ها مبالغه آمیز بوده است. ولی به هر حال در وهله اول اینگونه به نظر می رسد که نامتمرکز سازی با شیوه مردم سالارانه حکومت همخوانی بیشتری دارد (Saito, ۲۰۱۱: ۴۸۵&۴۸۴). شیوه حکمرانی اسلامی تا چه میزان متمرکز و تا چه حد غیر متمرکز است؟ آیا مردم سالاری دینی شیوه غیر متمرکز را توصیه می کند؟

۳،۷ چالش نظریات مبنایی حکمرانی

در این قسمت به چالش هایی پرداخته شده است که مبنایی حکمرانی را قلمداد می شوند. بی شک چالش های این قسمت بیشتر از موارد برشمرده شده است لکن موارد اشاره شده می تواند فتح بابی در این موضوع مهم باشد.

۱. یکی از مهمترین مباحث در ارائه هر الگو و نظریه ای، پرداختن به چارچوب مبنایی آن است (مشکات، ۱۳۹۳). شروع کردن از مبنایی فلسفی نظیر هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی، جامعه شناسی و ارزش شناسی و.. بر عهده فیلسوفان است و یک حکمران نیازمند ورود جدی به این مباحث همچون یک فیلسوف را ندارد؛ آنچه که یک حکمران نیازمند پرداخت به آن است اصول مبنایی برگرفته از مبنایی فلسفی، همچون اصل عدالت، اصل ولایت، اصل مالکیت و اصل آزادی اجتماعی است این نظریات واسطه و پلی برای سرازیر شدن مبنایی فلسفی بر الگوی اسلامی ایرانی حکمرانی است (پیغامی و حسینی، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۱۴)

۲. برای مثال موضوع شفافیت با مسائلی مرتبط است که این مسائل در نظریات مبنایی حل می گردد؛ این مسائل عبارت اند از: آیا حکومت ها باید در قبال مردم شفاف باشند یا مردم هم باید در قبال حکومت شفاف باشند؟ یعنی آیا مردم صاحب حق هستند در موضوع شفافیت یا حکومت صاحب حق است در قبال شفافیت؟ آیا انسان ها اساسا صاحب چنین حق حریم شخصی هستند؟ منشا این حق چیست؟ آیا حکومت حق دارد آزادی و حریم شخصی ملت خود را نقض کند یا خیر؟ چه موقع و با چه شرایطی؟

اصل چالش اینجاست که با توجه به ضرورت تدوین این چنین نظریاتی (حسینی خامنه ای، ۲۷/۰۲/۱۳۹۰) هنوز نظریات مبنایی حکمرانی تدوین نشده است. این در حالی است که اسلامی بودن و حجیت داشتن حکمرانی در گرو اسلامی بودن نظریات مبنایی حکمرانی است. (کشوری، ۱۵/۰۷/۱۳۹۸).

۳. چالش مبنایی دیگر این است، که آیا می توان قواعد تکوینی عالم نظیر رابطه خداوند با ملائکه و سنن الهی مانند سنت ابتلا، استدراج، سنت املا و... را در حکمرانی جامعه انسانی به کاربرد؟ با توجه به اینکه حکمرانی مبتنی بر اعتباریات اجتماعی است، آیا می توان از قواعد تکوینی در طراحی الگوی حکمرانی بهره برد؟ (مصاحبه با جوادی) (ارسطا و حبیب نژاد، ۱۳۹۴)

۴ نتیجه گیری و پیشنهادها

در پژوهشی از نظر گذشت، سعی شد بر اساس مطالعات کتابخانه ای و اسناد، همچنین استفاده از مصاحبه ها جهت تایید و تکمیل، چالش های نظری ارائه الگوی اسلامی ایرانی حکمرانی استخراج شود. نتیجه این فعالیت شناسایی ۷ کلان چالش نظری بود که ذیل آن چالش ها و مسائل جزئی تری طرح گردیدند. در ادامه با اشاره به کلان چالش ها نظری چند پیشنهاد پژوهشی نیز برای پژوهشگران علاقه مند به موضوع حکمرانی ارائه می شود.

۱. **چالش مفهومی و زبانی:** ادبیات علمی حول مفهوم حکمرانی در بستر تاریخی و با جهت گیری های خاصی شکل گرفته است. این نکته بازاندیشی در مفاهیم و نظریات متداول این عرصه را ضرورت می بخشد. همچنین بین رشته ای بودن این مفهوم، چالش زبان مشترک را نیز بر چالش مفهومی افزوده است.

۲. **چالش مواجهه با الگوهای غربی:** الگوهای غربی حکمرانی و به طور خاص حکمرانی خوب چالش مواجهه را ایجاد کرده است که نشان می دهد حکمرانی اسلامی در فضای خلأ شکل نخواهد گرفت بلکه در مواجهه و دیالکتیک صحیح با نظریات غربی ایجاد خواهد شد.

۳. **چالش هماهنگی و کنترل:** پرسش از شیوه اسلامی هماهنگی و کنترل با توجه به تاکید اسلام بر آزادی فردی، رشد، اختیار و بصیرت نیروها و... به نظر یکی از مهم ترین مسائل و چالش های حکمرانی اسلامی است.

۴. **چالش جایگاه و نقش دولت:** حکمرانی اساسا با به چالش کشیدن نقش دولت به مثابه یگانه بازیگر ارائه خدمات عمومی شروع شده است و کیفیت این چالش در عرصه های مختلف و موضوعات گوناگون حاکمیت همچنان باقی است.

۵. **چالش رابطه اصیل و وکیل و پاسخگویی:** اصل دولت و ساختارهای ذیل آن با تکیه بر رابطه اصیل و وکیل شکل می گیرد و در این رابطه مهم ترین عارضه تعارض منافع وکلا است که مسئله پاسخگویی را جدی می کند. پرداختن به این چالش نیز از مهم ترین گام های ارائه الگوی اسلامی ایرانی حکمرانی است.

۶. **چالش توزیع اقتدار:** توزیع قدرت و اقتدار مهم ترین تخصیص منابع در عرصه حکمرانی است. سوال از اینکه چه نوع اقتداری و به چه شیوه ای در حکمرانی اسلامی مورد استفاده قرار می گیرد؟ از مهم ترین مسائل این قسمت است.

۷. **چالش نظریات مبنایی:** نظریه حکمرانی هرچند خود مبنایی برای عمل حکمرانی است اما خود نظریه حکمرانی نیز از نظریات مبنایی تری مانند نظریه عدالت، نظریه مالکیت، نظریه اعتبارات، نظریه مردم سالاری دینی، نظری نظام انقلابی و غیره سرچشمه می گیرد.

ضمن اقرار به اینکه چالش های مستخرج در این پژوهش هنوز ناکامل و ناتمام اند اما فتح باب مناسبی برای آن خواهد بود، از همه پژوهشگران این حوزه دعوت می شود در ادامه همین پژوهش به موضوعات زیر توجه لازم را مبذول دارند:

۱. با کاوش بیشتر هر کدام از کلان چالش ها، به مسائل نظری دقیق تری دست یافت و با به دست آوردن چارچوب مفهومی آن چالش، فعالیت پژوهشی جهت نظریه پردازی اسلامی در آن فراهم شود.
۲. پیشنهاد می شود که این چالش ها براساس روش علمی و منطقی، اولویت بندی شوند و نقشه راه پرداختن به این چالش ها ترسیم گردد.
۳. با طرح ریزی پژوهش دیگری چالش های عملیاتی حکمرانی اسلامی شناسایی شود و ارتباط آنها با چالش های نظری مورد بررسی نظامند قرار گیرد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه (لصباحی صالح)

۳. ابطحی، سید حسین (۱۳۹۱)، مفهوم شناسی تعاریف و اصطلاحات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، منشا علمی، فلسفی و دینی آنها، نقشه راه تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (۲)، تهران: پیام عدالت، صص ۱۳۸-۱۰۶
۴. ابوالحسنی، الهه (۱۳۹۱) حکمرانی مردم سالارانه، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۱، صص ۱-۱۹.
۵. الوانی، سید مهدی و دانایی فرد، حسن و آذر، عادل (۱۳۹۰) روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار.
۶. امامی سید مجتبی (۱۳۹۸)، تاملی در چیستی «الگو» در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت: مذاقه هایی از منظر خط مشی گذاری عمومی، فصلنامه مدیریت دولتی ایران، شماره ۳، صص ۱-۲۳.
۷. بردبار، غلامرضا و ضرابی زاده، شیما و صالحی، طاهر (۱۳۹۴)، ارائه الگوی حکمرانی خدا مدار، مدیریت اسلامی، سال ۲۳، شماره ۲، صص ۴۱-۹.
۸. بور، مارک (۱۳۹۷)، حکمرانی مقدمه ای بسیار کوتاه، ترجمه: مصلح، عرفان و کریم میان، زهر. تهران: انتشارات کرگدن.
۹. پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۰)، اداره سالم به روایت نهج البلاغه، طرحی برای مبارزه با فساد اداری، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
۱۰. پیغامی، عادل و حسینی، سید جعفر (۱۳۹۴)، مقدمه ای بر روش شناسی الگوهای اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۱۱. حسن رضائی و دهقانی، روح الله و کیانپور، مهرداد، قابل دستیابی در :
<https://www.google.com/url?q=https://iranthinktanks.com/product/from-islamic-governance-to-government-criterion>
۱۲. حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۹۵)، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۳. حق گوین، زلفا و عباسی، محرم و قاسمی، ابوالفضل قاسمی (۱۳۹۵)، حکمرانی خوب و حکمرانی از دیدگاه اسلامی، اولین کنفرانس بین المللی مدیریت، حسابداری، علوم تربیتی و اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل (IC2016)
۱۴. حیدری، مهرداد (۱۳۹۵) دلالت‌های اولویت بندی خط مشی های عمومی مبتنی بر حکومت حضرت علی علیها السلام با تأکید بر کتاب «الصحيح من سيرة امام علي عليه السلام، دانشگاه امام صادق(ع) تهران، دانشکده مدیریت، گروه مدیریت دولتی.
۱۵. دانایی فرد، حسن و جوانعلی آذر، مرتضی (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی خردمایه وجود دولت از نگاه نظریه های غربی و منابع اسلامی، مدیریت اسلامی شماره ۷ صص ۷۴-۴۱.
۱۶. دهقانی، فریبا و حیدری، اکرم و عادلی، سید حسن (۱۳۹۴)، مقایسه تحلیلی حکمرانی خوب از دیدگاه نهادهای بین المللی با حکمرانی اسلامی از دیدگاه امام علی(ع)، کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی
۱۷. دیکشنری آنلاین لانگمن: <https://www.ldoceonline.com/dictionary/govern>

۱۸. دیکشنری آنلاین کمبریج: <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/challenge>
۱۹. دیکشنری آنلاین آکسفورد: <https://www.lexico.com/en/definition/govern>
۲۰. رایینز، استیفن (۱۳۸۷) تئوری سازمان (ساختار و طرح سازمانی)، ترجمه: الوانی، سید مهدی و دانایی فرد، حسن، انتشارات صفار، تهران.
۲۱. سایمون، هربرت ای (۱۳۷۱) رفتار اداری؛ بررسی در فراگردهای تصمیم گیری در سازمان اداری، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
۲۲. سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۹)، روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه
۲۳. علی اکبری، حسن (۱۳۹۱)، تاملی بر چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقشه راه تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (۲)، تهران: پیام عدالت. صص ۹۲-۴۸.
۲۴. فاتح راد، مهدی و جلیل وند، محمد رضا و محمد زاده، منیره (۱۳۹۰)، بررسی نظری و تجربی انگیزه ها و چالش های انجام مطالعات میان رشته ای با تاکید بر روش شناسی میان رشته ای، مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۸۵-۱۱۱.
۲۵. فقیهی، ابوالحسن و آغاز، عسل (۱۳۹۴) روش های پژوهش اجتماعی، رویکردهای کیفی و کمی، ج ۱، تهران: انتشارات ترمه.
۲۶. مختاریان، مجید (۱۳۹۵)، مدل فرآیندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۸، صص ۳۰-۱۰.
۲۷. مشکات، محمد (۱۳۹۳)، ماهیت پیشرفت و ضرورت تاملی در مبانی آن در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: الگوی پیشرفت
۲۸. مقیمی، سید محمد (۱۳۹۴) اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، تهران: نشر راه دان.
۲۹. مقیمی، سید محمد (۱۳۹۵) مبانی سازمان و مدیریت، راه دان، تهران.
۳۰. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۲)، مردم سالاری دینی، فصلنامه معرفت، شماره ۶۸، صص ۸ تا ۱۵.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷) مجموعه آثار؛ جامعه و تاریخ، ج ۲، نشر صدرا: تهران و قم.
۳۲. میرباقری، سید محمد مهدی، (۱۳۹۶)، «درآمدی بر رویکردهای فقه حکومتی»، قم: تمدن نوین اسلامی.
۳۳. نشست دوم مدرسه حکمرانی شهید بهشتی: <http://www.sndu.ac.ir/fa/content>
۳۴. نصرت پناه، محمد صادق و بخشی، مسعود (۱۳۹۷). الگوی جهانشمول حکمرانی اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) با تکیه بر نظریه اعتباریات، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۳۵. ولی، وحید (۱۳۹۶) شناسایی و آسیب شناسی چارچوب حکمرانی مدرسه در جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه امام صادق(ع)، پایان نامه ارشد.

۳۶. هیل مایکل، پیتر هیوپ (۱۳۹۷) اجرای خط مشی عمومی حکمرانی در نظریه و عمل، ترجمه: الوانی مهدی و معدنی، جواد و خدایی نیما، تهران: انتشارات آذرین مهر.

37. Bevir, M. (2008). Key concepts in governance. Sage.
38. Bevir, M. (Ed.). (2010). The SAGE handbook of governance. Sage.
39. Bevir, M. (2012). Governance: A very short introduction. OUP Oxford.
40. Bohman, J. (2010). Democracy across borders: from Dêmos to Dêmoi. Mit Press.
41. Considine, M., & Afzal, K. A. (2011). Legitimacy. The Sage Handbook of Governance. Palo Alto: Sage, pp-369-384.
42. De Groot, H. (1988). Decentralization decisions in bureaucracies as a principal-agent problem. Journal of Public Economics, 36(3), 323-337.
43. DUIT, A., & GALAZ, V. (2008). Governance and Complexity Emerging Issues for Governance Theory. Governance, 21(3), 311–335. doi:10.1111/j.1468-0491.2008.00402.x
44. Duit, A., & Galaz, V. (2008). Governance and complexity—emerging issues for governance theory. Governance, 21(3), 311-335.
45. Finkelstein, Lawrence. (1995) What Is Global Governance? Global
46. Fukuyama, F. (2013). What is governance?. *Governance*, 26(3), 347-368.
47. Garrison, R. (2000). Theoretical challenges for distance education in the 21st century: A shift from structural to transactional issues. *The International Review of Research in Open and Distributed Learning*, 1(1).
48. Johnston, M. (1991). Political corruption: Historical conflict and the rise of standards. Journal of democracy, 2(4), 48-60.
49. Kennett, P. (Ed.). (2008). Governance, globalization and public policy. Edward Elgar Publishing.
50. **Laurence E. Lynn, Jr.(2010) Governance, The Foundations of Public Administration Series, Public Administration Review (PAR) pp:1-6.**
51. Luring, J., & Selmer, J. (2011). Multicultural organizations: common language, knowledge sharing and performance. Personnel Review, 40(3), 324–343.
52. Marshall, Peter (1993) Demanding the Impossible: A History of Anarchism. Glasgow: Fontana.
53. McLaverty, P. (2011). Participation. The SAGE handbook of governance, 402-418.
54. McConnell, C. R., Brue, S. L., & Flynn, S. M. (2009). Economics: Principles, problems, and policies. Boston McGraw-Hill/Irwin.
55. Meuleman, L. (2008). Public management and the metagovernance of hierarchies, networks and markets: The feasibility of designing and managing governance style combinations. Springer Science & Business Media.
56. Michalski, W., Miller, R., & Stevens, B. (2000). Governance in the 21st century: power in the global knowledge economy and society. foresight, 2(5), 471-482.

57. Michalski, W., Miller, R., & Stevens, B. (2001). Governance in the 21st century: power in the global knowledge economy and society. *Governance in the 21st Century*, 7-26
58. Osborne, S. P. (Ed.). (2010). *The new public governance: Emerging perspectives on the theory and practice of public governance*. Routledge.
59. Peters, B. G. (2012). Governance as political theory. In *Civil Society and Governance in China* (pp. 17-37). Palgrave Macmillan, New York.
60. Rhodes, R.A.W. (1997) *Understanding Governance: Policy Networks, Governance, Reflexivity and Accountability*. Buckingham: Open University Press.
61. Rosenau, J. N., Czempiel, E. O., & Smith, S. (Eds.). (1992). *Governance without government: order and change in world politics* (Vol. 20). Cambridge University Press.
62. Saito, F. (2011). Decentralization. *The SAGE Handbook of Governance*. London: SAGE Publications Ltd, 484-500.
63. Steger, T. (2015). Corporate Governance. *Wiley Encyclopedia of Management*, 1-4.
64. Stoker, G. (1998). Governance as theory: five propositions. *International social science journal*, 50(155), 17-28.
65. Thacher, D., & Rein, M. (2004). Managing value conflict in public policy. *Governance*, 17(4), 457-486.
66. Weiss, T. G., & Wilkinson, R. (2014). Rethinking global governance? Complexity, authority, power, change. *International Studies Quarterly*, 58(1), 207-215.